به مناسبت بازگشت پیکر شهید محمد اینانلو به میهن پس از ۶ سال

محمد همیشه آماده شنیدن «هل من ناصر» امام زمانش بود

■ آرمان شریف

بازگشت پیکر شهید مدافع حرم محمد اینانلو به کشور، بار دیگر کار بزرگ شهدای مدافع حرم را پیش چشمان‌مان می‌آورد. شهدایی که به محض اطلاع از هجوم تروریست‌های تکفیری به سرزمین‌های اسلامی در سخت‌ترین روزها پا به کارزار نبرد گذاشتند و وظیفه دفاع از حریم اهل بیت(ع) را برعهده گرفتند. آنها با تمام وجود به جنگ با تروریست‌ها رفتند و با شهادت‌شان مزد جهادشان را در این راه گرفتند.

■ **هدف بزرگ محمد**

شهید اینانلو متولد سال ۱۳۶۷ و فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسی از دانشگاه آزاد کرج بود. جوانی پاک و آینده‌دار که در دو جبهه علم و جهاد همزمان حضور داشت و فعالیت می‌کرد. او با وجود داشتن یک دختر کوچک، در دی‌ماه ۱۳۹۴ راهی سوریه شد. محمد در آن روزها هنوز به ۳۰ سالگی نرسیده بود و همسر جوان و دختر کوچکش به نام حلما را در خانه گذاشت و به دنبال هدف والایش رفت. قطعاً این تصمیمی سخت برای او بود و دل کندن از خانه و خانواده کاری بسیار دشوار است اما محمد به دنبال اعتقاد و هدفی بزرگ بود و می‌دانست در چه راهی قدم می‌گذارد.

محمد از سال‌ها قبل از اعزام به سوریه در دوره‌های آموزشی زیادی شرکت می‌کرد و وقتی اطرافیانش از او می‌پرسیدند دلیل حضورش در این دوره‌ها چیست، همواره با لبخندی زیبا پاسخ می‌داد که یک سرباز امام زمان(عج) باید همیشه حاضر و آماده باشد تا وقتی صدای هل من ناصر ینصرنی امام زمانش را شنید لبیک بگوید.

پدر شهید عشق به شهادت فرزندش را چنین بیان می‌کند: «محمد همیشه به من می‌گفت پدر دعا کن که شهید شوم. بارها به او می‌گفتم پسرم چطور می‌توانم برایت دعا کنم که در کشور جنگ شود تا به جبهه بروی و شهید شوی و امروز شاهد هستم که چطور محمد به سوریه رفت و در خان‌طومان شهید شد.»

■ **همراهی همسر**

البته در این مسیر همسر شهید نیز بسیار همراه بود. روز رفتن محمد، روز امتحان همسر و خانواده شهید نیز بود و آنها هم باید ثابت می‌کردند تا چه اندازه بر روی اعتقادات‌شان محکم و ثابت‌قدم هستند. همراهی شوهر در چنین شرایطی خیلی برای مردم مهم و حیاتی است، چراکه اگر او با آرامش خاطر قدم در جبهه نگذارد، شرایط برایش سخت خواهد شد.

همسر شهید روز رفتن محمد به جبهه مقاومت را چنین بازگو می‌کند: «روزی که حرف از رفتن و راهی شدنش پیش آمد، من مخالفتی نکردم. چون نمی‌خواستم شرمنده اهل بیت شوم. من همیشه با خود می‌گفتم اگر روز عاشورا و زمان امام حسین(ع) بودم ایشان را یاری می‌کردم. روزی که آقامحمد از رفتن صحبت کرد، روز امتحان من بود باید ثابت می‌کردم که چقدر به اعتقاداتم پایبندم. من همسرم را با جان و دل و با دست‌های خودم برای دفاع از اسلام و دفاع از عقیله بنی‌هاشم راهی سوریه کردم.»

روزی که شهید اینانلو می‌خواست به سوریه برود در حیاط با همه خداحافظی کرد، دخترش را در آغوش گرفت و می‌بوسید. بعد همسرش را صدا کرد، با هم آخرین عکس‌های یادگاری‌شان را انداختند و در آخر رو به همسرش گفت حواست به همه چیز باشد.

■ **پایان چشم‌انتظاری**

شهید اینانلو مجموعاً شش روز در سوریه بود.

> محمد از سال‌ها قبل از اعزام به سوریه در دوره‌های آموزشی زیادی شرکت می‌کرد و وقتی اطرافیانش از او می‌پرسیدند دلیل حضورش در این دوره‌ها چیست، همواره با لبخندی زیبا پاسخ می‌داد که یک سرباز امام زمان(عج) باید همیشه حاضر و آماده باشد تا وقتی صدای هل من ناصر ینصرنی امام زمانش را شنید لبیک بگوید

او ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۴ عازم سوریه شد و در ۲۱ دی خبر شهادتش را به خانواده‌اش دادند. محمد در خان‌طومان سوریه به شهادت رسید و سال‌ها هیچ اثری از پیکرش نبود و خانواده‌اش در طول این سال‌ها چشم‌انتظار خبری از عزیزشان بودند. در جریان درگیری با تروریست‌ها گلوله‌ای به پای شهید محمد اینانلو اصابت می‌کند و باعث مجروحیتش می‌شود. همرزمانش او را داخل ماشین می‌گذارند تا به عقب بیاورند که موشک به ماشین‌شان اصابت می‌کند و باعث شهادت‌شان می‌شود.

خانواده شهید پس از شش سال انتظار با شهیدشان دیدار کردند و این دیدار پایانی بر سال‌ها چشم‌انتظاری بود. دیدار با پیکر شهید در این روزها فضایی خاص را به همراه داشت. حالا دیگر مزار شهید اینانلو، جایی برای عاشقان او می‌شود و دوستداران شهید با حاضر شدن بر مزارش، لحظه‌ای از هیاهوی دنیا دور می‌شوند و فرصتی برای خلوت پیدا می‌کنند.

یادکرد

یادی از شهید محمد آژند از همرزمان شهید اینانلو در خان‌طومان

شهادتش را در راهپیمایی اربعین از امام حسین(ع) خواسته بود

■ **روزبه فکور**

هرگاه نام خان‌طومان به گوش‌مان می‌رسد به یاد مظلومیت شهدایش می‌افتیم. همرزمانی که کنار همدیگر با تروریست‌ها جنگیدند و آسمانی شدند. کار بزرگ آنها هیچ‌گاه از حافظه تاریخ پاک نخواهد شد و مردم از یاد نخواهند برد این شهدای والامقام چگونه به یاری مظلومان و بقاع متبرکه شتافتند.

■ **شهید گمنام**

شهید مدافع حرم محمد آژند یکی از شهدای خان‌طومان سوریه است که در کنار شهید محمد اینانلو حضور داشت و در همان روزی که محمد به شهادت رسید، جام شهادت را نوشید و آسمانی شد. شهید آژند برای دفاع از کشور و دینش از هیچ تلاشی فروگذار نکند و در نهایت در ۲۱ دی‌ماه ۱۳۹۴ در خان‌طومان سوریه به شهادت رسید و پیکرش برای مدتی مفقود شد. محمد با اینکه دوست داشت مفقودالاثر بماند اما پنج ماه بعد پیکرش به آغوش خانواده بازگشت. آرزوی خودش این بود که شهید گمنام شود اما به دلیل اینکه او یکی از فرماندهان منطقه مذکور بود، تروریست‌ها پیکر او را برای مبادله نگه داشتند و در نهایت هم این مبادله صورت گرفت.

■ **آرزوی شهادت**

شهید آژند متولد سال ۱۳۵۹ بود و دو فرزند به نام‌های محمدمهدی و محمدطاها داشت که فرزند آخر او تنها دو عکس با پدر دارد. محمد آرزوی شهادت داشت. در یکی از سفرهای زیارتی‌اش به کربلا در ایام اربعین، دوستانش به او گفتند: «روزهای آخری است که در «کربلا» هستیم؛ آیا چیزی از امام حسین(ع) نمی‌خواهی؟» محمد هم پایین پل فلزی که مقابل حرم حضرت ابوالفضل(ع) قرار دارد، رو به گنبد امام حسین(ع) کرد و گفت: «آقاجان! ما که قابل نیستم اما کاری کن که شهید شویم.»

او همه سعی خود را کرد که به سوریه برود اما یگان به او اجازه نمی‌داد. یک روز به پدرش گفت می‌خواهم خود را بازخرید کنم تا از این طریق بتوانم به سوریه بروم اما پدر گفت رفتن به سوریه واجب کفایی است و نیازی به بازخرید نیست. به دلیل مخالفت یگان با رفتن محمد به سوریه، او تلاش کرد یگان خود را عوض کند و در نهایت موفق شد اما با این وجود باز هم با موانعی روبه‌رو شد.

در حقیقت برای مادرش بسیار سخت بود که محمد به سوریه برود. یک روز به مادر خود گفت: «مادرجان! اگر زمان امام حسین(ع) بودی، طرف لشکر یزید قرار می‌گرفتی یا لشکر امام حسین(ع)؟» مادرش گفت: «معلوم است خب، طرف لشکر امام حسین(ع)!»، محمد گفت: «پس مانند مادر «وهب» باش» تا این که بالاخره روزی که می‌خواست برود مادرش گفت: «من مانند مادر «وهب» می‌شوم اما از تو هم خواهشی دارم، این که وقتی رفتی سوریه، دلاورانه بجنگی و مبادا چیزی دلت را بلرزاند و فرار کنی. شهادتت را می‌پذیرم اما اسارت و جانبازی‌ات را نه»؛ البته در قاموس «محمد» هم ترس وجود نداشت.

■ **روضه‌های حضرت زهرا(س)**

در نهایت محمد با رضایت‌نامه به منزل آمد و امضای پدر، مادر و همسر را گرفت و چند روز بعد عازم سوریه شد. محمد آن روزها دیگر آرام و قرار نداشت و هرچه زودتر می‌خواست خودش را به دیگر رزمندگان برساند. روزی که مصطفی صدرزاده به شهادت رسید، شهید آژند در حالی که گریه می‌کرد و می‌سوخت، خطاب به او گفت: «مصطفی سلام ما را به بی‌بی برسان!»

محمد روضه‌های حضرت زهرا(س) را بسیار سوزناک می‌خواند و واقعاً می‌سوخت. اولین تیری هم که به او اصابت کرد در پهلویش بود و دو ساعت بعد نیز با تیر قناسه، سروی را هدف قرار می‌دهند که به شهادت می‌رسد. از میان ۱۳ نفری که در همان منطقه به شهادت رسیدند، تنها عکس محمد منتشر شد که روی زمین افتاده و سلاحش نیز در کنارش قرار دارد.

نگاه

۲۶ شهریور ۱۳۵۹

و لغو یکجانبه قرارداد الجزایر توسط بعثی‌ها

کودتاچی‌هایی که خود را انقلابی معرفی می‌کردند

■ علیرضا محمدی

۲۶ شهریور ۱۳۵۹ صدام اعلام کرد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را به صورت یکجانبه لغو کرده است. این قرارداد پس از سلسله درگیری‌هایی بود که بین ایران و عراق در سال‌های ۴۸ تا ۵۳ رخ داده بود. لغو قرارداد الجزایر در کنار اعلام نظرهای خصمانه مقامات عراقی و تجاوزهای مرزی که این کشور به ایران داشت، به مثابه اعلام جنگ بود! اما به نظر می‌رسد که موضوع جنگ با ایران، از سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در ذهن صدام و دیگر مقامات حزب بعث عراق وجود داشته است.

■ **کشور کودتاها**

حزب بعث در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ شمسی) به رهبری احمد حسن البکر و صدام کودتایی را علیه عبدالرحمن عارف انجام داد. عبدالرحمن برادر بزرگ‌تر عبدالسلام عارف بود که سال ۱۹۶۶ در یک سانحه مشکوک هوایی کشته شد. (سانحه‌ای که برخی آن را به حزب بعث مرتبط می‌دانند و عبدالرحمن نیز با بعثی‌ها در آن همکاری کرده بود). عبدالسلام پیش از برادر خود به مدت سه سال از ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۶ رئیس‌جمهور عراق بود. وی به همراه عبدالکریم قادر در سال ۱۹۵۸ کودتایی را علیه فیصل دوم آخرین پادشاه عراق انجام داده بودند اما دوستی این دو دیری نپایید و عبدالسلام عارف در سال ۱۹۶۳، عبدالکریم را کشت و خود به ریاست جمهوری عراق رسید. به این ترتیب از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۸ تنها در یک دهه، چهار کودتا در کشور عراق رخ داده بود که آخرین آنها را حزب بعث علیه عبدالرحمن عارف انجام داد. با این حال بعثی‌ها همواره از حکومت خود به عنوان یک حکومت انقلابی یاد می‌کردند. آنها این نکته را به جامعه عراق القا می‌کردند که انقلابی را علیه حکومت‌های فاسد پیشین عراق انجام داده‌اند و مردم عراق از این پس باید خود را آماده آغاز یک دوران جدید در تاریخ چند هزار ساله بین‌النهرین بکنند.

■ **انقلابی‌های خودخوانده**

سران حزب بعث عراق همواره بر انقلابی بودن حکومت خود تأکید داشتند. آن طور که در منشور حزب بعث آمده بود، آنها می‌بایست صیانت امت عربی را سرلوحه امور خود قرار می‌دادند. لذا وقتی شاه ایران در سال ۱۳۴۸ (یعنی تنها یک سال پس از به قدرت رسیدن بعثی‌ها) حاکمیت عراق بر بخش مورد مناقشه اروندرود را لغو کرد، آنها این موضوع را ضربه‌ای به حثیت انقلاب تازه‌تأسیس خود تلقی کردند. بعثی‌ها که واقعاً باور کرده بودند یک حکومت انقلابی را رهبری می‌کنند، حرکت شاه را ضربه‌ای بر حیثیت انقلاب خودخوانده‌شان توصیف کرده و هیچ وقت با آن کنار نیامدند اما چون در آن زمان، رژیم خود را نوپا و فاقد قدرت لازم برای مقابله نظامی با حکومت وقت ایران می‌دانستند، نتوانستند اقدام جدی و سنگین خاصی انجام دهند. لذا از سال ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۵۳ درگیری‌های مرزی محدودی بین دو طرف رخ داد که اوج این درگیری‌ها بین سال‌های ۵۲ و ۵۳ بود و نهایتاً نیز عراق شکست را پذیرفت و قرارداد الجزایر را در سال ۱۳۵۴ امضا کرد.

■ **تداوم خصومت‌ها**

پس از امضای قرارداد الجزایر، خصومت بین عراق و ایران تمام نشد. چنانچه در بخش‌هایی از مرز که قرار بود طبق توافق میله‌گذاری صورت بگیرد، عراقی ها بهانه‌تراشی کرده و از ادامه کار سر باز زدند. ظاهراً اختلافات مرزی عراق با ایران برای حزب بعث و خصوصاً صدام فراتر از یک موضوع ملی بود. او همواره از مرزهای عراق با ایران به عنوان دروازه‌های عربی در برابر فارس‌های ایرانی نام می‌برد. لذا دنبال فرصتی بود تا حاکمیت ادعای خود بر اروند و حتی بخش‌های عرب‌نشین خوزستان را دنبال کند. با پیروزی انقلاب و مشکلاتی که برای نظام نوپای اسلامی به وجود آمد، بعثی‌ها به صرافت افتادند که زیاده‌خواهی‌های خود را مجدداً دنبال کنند. اما در برآوردهای‌شان شور انقلابی و قدرت ایمان جوانان ایرانی را دست‌کم گرفته بودند. لذا با حمله به ایران، بزرگ‌ترین اشتباه تاریخی خود را مرتکب شدند.

> از سال ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۶۸ تنها در یک دهه، چهار کودتا در کشور عراق رخ داده بود که آخرین آنها را حزب بعث علیه عبدالرحمن عارف انجام داد. با این حال بعثی‌ها همواره از حکومت خود به عنوان یک حکومت انقلابی یاد می‌کردند

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۳۰۳

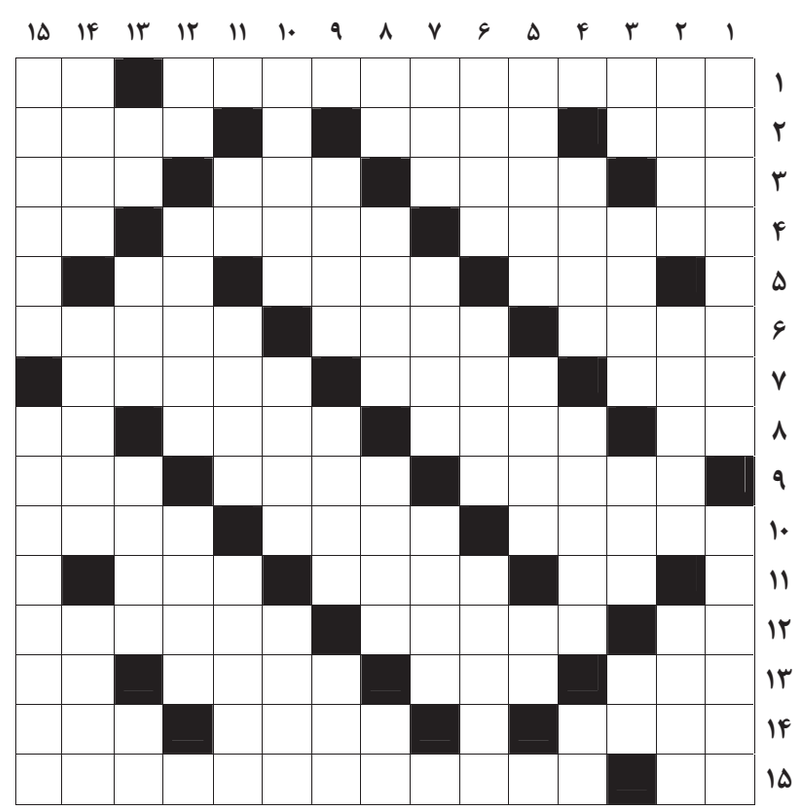

از راست به چپ

■ ۱- به معنی بهترین آفرینندگان است و از صفات خدا- حرص و طمع ■ ۲- زندان- آن سوی جنوب- وسیله برش پارچه ■ ۳- یازده- کشاورز- تابه نان‌پزی- میانه بدن ■ ۴- پدر سام- لوکس- به دنیا آوردن ■ ۵- پایه و رتبه اداری- چندتا کره- از مصالح ساختمانی ■ ۶- نوعی شیرینی- سبزی معطر- شهر محل ترور کندی ■ ۷- میانه برنامه- تالار- ساز زهی شبیه سنتور ■ ۸- نماد لاغری- رودی که از رم ایتالیا می‌گذرد- منطقه‌ای از زمین است که در میان مدارهای رأس‌السرطان و رأس‌الجدی واقع شده- بند تنبان ■ ۹- ریزهٔ چوب و علف و کاه- سوغاتی تبریز- بلندترین استخوان بدن ■ ۱۰- ناخالص- مجلسی در انگلیس- خانه ساحلی ■ ۱۱- او- همدم- نوعی آچار ■ ۱۲- جوی خون- سرنوشته- چیزی که به گرو گذارده شده ■ ۱۳- سارق- کنیه- بزدل- مادر لر ■ ۱۴- شهری در گیلان- نگهبان کودک- امت‌ها ■ ۱۵- ماه شاعرانه- بانوی نویسنده انگلیسی مؤلف «ربه‌کا»

از بالا به پایین

■ ۱- مرکز پاراگوئه- کلیسای تاریخی پاریس ■ ۲- سنگ‌تراش- زن عزیز مصر- پاسبان دوره قاجار ■ ۳- آفت نباتی- قوه حافظه- نوشابه قدیمی- سرای مهر ■ ۴- محلول حشره‌کش- شریعت آوردن- محکم کردن ■ ۵- عیب و نقص- دریایی در شمال ترکیه- دختر کارتونی ■ ۶- دروازه‌بان سابق تیم ملی آلمان- شماره بین‌المللی کتاب- املاک و اموالی که برای کارهای خیر اختصاص می‌یابد ■ ۷- محافظ گل- خنک‌کننده اتاق- میوه‌ای با خواص دارویی ■ ۸- خاندان- علامت صفت عالی- جدید- عدد دورقمی ■ ۹- لقب ششمین معصوم- پنجگانه بدن- یک نوع سامانه موشکی ضد بالستیک ■ ۱۰- روز محشر- جانوری گوشت‌خوار شبیه سمور- غذای مغز ■ ۱۱- پوشاک چهارپا- ثروتمند- از اسامی پسران به معنی نیرومند ■ ۱۲- بچه می‌زند- یکتا- شرکت سوئدی سازنده خودروهای سنگین ■ ۱۳- سرسلسله اعداد- برنج پخته و آبکش‌شده- زمین ورزش بوکس- پسوند خریدار ■ ۱۴- حالت مهره‌ای در شطرنج است که اگر حرکت داده شود شاه کیش می‌شود- گوش‌به‌زنگ- انسان ■ ۱۵- فتوکپی خشک- ورقه هویت

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۳		۱						
						۷	۶	۵
۸		۷			۹			
۹			۲			۸		
۲							۵	۱
			۴		۸			
	۲			۳		۶		
				۵		۳		۷
۱	۸							

۶	۴	۹	۸	۴	۵	۴	۷	۱
۸	۴	۴	۱	۹	۷	۶	۴	۵
۷	۱	۵	۴	۴	۶	۹	۴	۸
۴	۶	۴	۷	۸	۴	۵	۱	۹
۱	۹	۴	۴	۶	۴	۷	۸	۴
۵	۸	۷	۹	۱	۴	۴	۴	۶
۴	۴	۱	۶	۴	۹	۸	۵	۷
۹	۵	۸	۴	۷	۱	۴	۶	۴
۷	۸	۶	۴	۵	۸	۱	۹	۴

جدول کلمات متقاطع
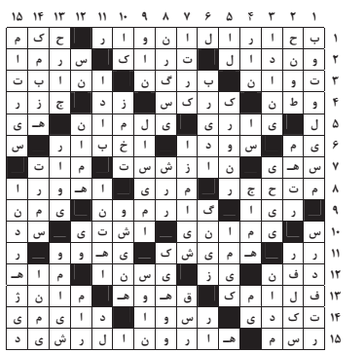
پاسخ جدول شماره ۶۳۰۲